

زلزله

تعداد کشتگان زلزله خراسان تا امروز به بیست هزار نفر تخمین زده میشود. هزاران نفر دیگر نیز در کورستان و سیما که اینک از تربت حیدریه تا آستوی بهرچند گسترده شده است در انتظار مرگاند.

البته بلایای طبیعی خاصه ملک ما نیست. ولی این همه بسی خانمانی، اینهمه مرگ و میر از کسرتکی و بیدوایی، بی پشتگی خاصه مالکی نظیر رژیم محمد رضاشاه بسر میرند. اگر میلیونها خانواده در هفتان ایرانی بهرهای از خانه و آشیانه جز چاردریژ کلین ندرند، اگر کلبه بی بنیاد آنها نه فقط در برابر زلزله بلکه در برابر باد و باران نیز تاب هیچ ایستادگی ندارد، اگر آنان که زیر آوار ماندند باید زنده بگردد، اگر آنهاست که امروز ناگهانی رهائی یافتهاند، همگ از کسرتکی و بیدوایی، بی پشتگی گرفتار میایند، اگر آینده با زماندگان تیرهتر از طلعت مرگدان است، این دیگر بلیه طبیعی نیست، بلیه اجتماعی است، بلیه بیست که آورده ما، رژیم محمد رضاشاه است. زلزله امری عارضی است، هر چند سال یکبار است ولی زلزله خانمان برافکن رژیم محمد رضاشاه امری روزانه است، تعداد شهیدان این رژیم از شمار بیرون است. نسل معاصر ایران وقتی که رقم بیست هزار کشته زلزله خراسان میشود، بی اختیار بیاد رقم بیست هزار دیگری افتد که در تاریخ اخیر ایران با خط سوخ نوشته شده است. این رقم یادگار سال ۱۳۳۵ سال قبل عام مردم دلیر آذربایجان است. امروز آنکه زلزله در آذربایجان افتد، آنکه خانه دهقان آذربایجانی را بر سر جی خراب کرده، آنکه بهترین فرزندان خلق را بخون کشید طبیعت نبود، رژیم محمد رضاشاه بود. اینک او که کشتی شورت و جلال و شوکت و عشرت بر در زای خون روان است و قتل عام بیست هزار آذربایجانی را روز جشن ارتش اعلام کرده است، بنسبیت زلزله خراسان قریه عزا بخود میکوبد و بزبان دروغ پرورد دستگاه تبلیغاتیش مدعی میشود که کربلا ملکه اش برای زلزلهزدگان خراسان خون داده است، اعتقاد او به روشهای بزرگ همانقدر محکم است که بی اعتقادی او بغرست و درایت مردم ایران.

هموطنان عزیز!

چهره ضد ملی، یوسیدی، و نا توانی درونی رژیم محمد رضاشاه را در حادثه زلزله بهتر میتوان دید. این رژیم فقط آنقدر نیرو دارد که زبان برساند. اگر قرار بود آتش بر سر مردم خراسان ببارند، اگر قرار بود فرمان کشتار مردم خراسان را اجرا کنند (همانکاری که اکنون در کردستان و فارس در پیش دارند) نه کبود وسیله و اسلحه داشتند و نه کبود قنات و شقاوت نیر و لی کپوز که باید مردم زلزله زدهای نان، پتو، کربو و پزتل برسانا از جاسوسو دچار کپوراند و اثری جز عوامفریبی نداشتند. آنها، همین مصیبت هموطنان ما را نمیتوان فرصتی برای دزدی و اخاذی و اختلاس و غارتگری غنیمت شمردند، چه کسی که از محل اعانه بزلزله زدگان برای خود انباشتند و چه فصرها که در سایه بی خانمانی مردم خراسان برای خود پی بریزی کردند. فساد دستگاه محمد رضاشاهی را جز با فنای آن نمیتوان چارمکند.

بقیه در صفحه ۳

پیروزی بزرگ جمهوری توده ای چین

انقلاب انکیر خلق چین که در زیر رهبری حزب کمونیست چین و رفیق مائوتسه دون پیروزی انجامید از درخشانترین صفحات تاریخ بشریت است. اگر انقلاب کبیر سوسیالیستی انکیر در روز دوران نوری در تاریخ بشریت بشود و فصل انقلابات پرولتاریاتی را آغاز کرد، انقلاب انکیر خلق چین که به تاسیس جمهوری توده ای چین انجامید در سرنوشت سوسیالیسم در مقیاس جهانی دارای اهمیت طبیعی است. لنین بر آن بود که فرجام مبارزه بخاطر سوسیالیسم وابسته به آنست که روسیه، چین و هند، سه کشوری که اکثریت سکنه جهان را در بر میگیرند. در راه سوسیالیسم گام گذارند. انقلاب کبیر سوسیالیستی انکیر نظام سوسیالیستی را در شوروی مستقر ساخت. انقلاب انکیر خلق چین باند شعلتین در چین حقیق بخشید و هفتصد میلیون از جمعیت کره ارض را از یوغ امپریالیسم و ارتجاع نجات داد و برای سوسیالیسم کشاید. اهمیت انقلاب انکیر خلق کبیر چین بازم بیشتر چشم می خورد اگر توجه کنیم که درست در موقعیکه پایگاه انقلاب پرولتاریاتی جهانی از مرکز اروپا تا اقیانوس آرام ادامه داشت، دارای نیروی مادی و معنوی شگرفی بود و برای طبقه کارگر و خلق های اسیر و ستم دیده جهان در مبارزات بخاطر رهائی از استعمار و استثمار پشتیبان نیرومندی بشمار میآمد. خورشید و یارانشر راه حیانت به انقلاب و احیای سرمایه داری را در چین گرفتند و در آنجا از کشورهای سوسیالیستی را نیز باین راه کشانیدند. اساسا جمهوری توده ای چین همراه با جمهوری توده ای آلبانی بطور پیگیر در مواضع مستحکم مارکسیسم - لنینیسم باقی ماندند. سوسیالیسم را حفظ و حراست کرد و نقش پایگاه انقلاب پرولتاریاتی جهانی را بر عهده گرفت.

پیروزی انقلاب انکیر و استقرار نظام سوسیالیستی در چین بین امکان را پدید آورد که کمیسوری عقب مانده در مدتی کوتاه با آهنگ سریعی رشد یابد، صنایع مدرن، کشاورزی شرقی و فرهنگ پرولتاریاتی ایجاد کند، دانش و تکنیک خود را بر سطح دانش و تکنیک شرقی ترین کشورهای جهان قرار دهد. یادست یافتن سلاح اتمی و هیدروژنی و موشکهای پرتاب این سلاحها نیروی دفاعی خود را برای مقابله با هرگونه تجاوزی از هر سو که باشند تقویت کند.

از همان نخستین سالهای پس از انقلاب دو خط مشی در راه رشد در درون جامعه چین پدیدار گشت: یکی خط مشی پرولتاریاتی انقلابی دیگری خط مشی بورژوازی ارتجاعی. مبارزه بر سر آن بود که چین از دو راه رشد سوسیالیستی و سرمایه داری گذامیک را باید بپیماید. تجربه اتحاد شوروی که در آن پس از گذشت چهل سال نظام سوسیالیستی گروهی ریزیونیست و آپورتونیست توانستند قدرت را در حزب و دولت قبضه کنند و نخستین کشور سوسیالیستی جهان را از راه سوسیالیسم منحرف ساخته و راه احیای سرمایه داری بکشاند نشان داد که اگر انقلاب کبیر انکیر مساله تصرف قدرت و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا را حل کرده ولی مساله حفظ دیکتاتوری پرولتاریا را حراست سوسیالیسم هنوز راه حلی نیافته است. آزمایش اتحاد شوروی مساله اساسی جدیدی را در برابر پرولتاریای بین المللی قرارداد: در این کشور سوسیالیستی در مبارزه میان راه سوسیالیستی و راه سرمایه داری، میان پرولتاریا و بورژوازی سرانجام کدامیک پیروز خواهد شد؟ چگونه باید قدرت پرولتاریا و دیکتاتوری پرولتاریا را حفظ کرد و استحکام بخشید و از بازگشت سرمایه داری و دیکتاتوری بورژوازی جلوگیری کرد؟

این مساله فتنه با سرنوشت کشورهای سوسیالیستی بلکه با سرنوشت و آینده انقلاب پرولتاریاتی جهانی بستگی پیدا می کرد. انقلاب فرهنگی پرولتاریاتی که تحت رهبری مستقیم رفیق مائوتسه دون و بزرگترین مارکسیست - لنینیست در زمان حاضر از دو سال پس از آغاز کرد پدیدار حل این مساله را که دارای اهمیت تاریخی است به پرولتاریای جهان نشان داد. بقیه در صفحه ۳

شاه و شوروی

روزنامه لووند در ۲۱ ژوئن خبر داد که روزیونیست های شوروی موافقتنامه جدیدی با دولت محمد رضا شاه امضا کرده اند. بموجب این موافقتنامه " همکاری فنی و اقتصادی " دولت شوروی اعتباری مبلغ دویست میلیون دلار (معادل ۱۰۰ میلیارد ریال) در اختیار دولت محمد رضا شاه میکند. اکنون باید منتظر بود که روزیونیست های ایران این عمل جلا در پرونده روزیونیست های شوروی واترلیک میکنند!

تجاوز ریزیونیستهای شوروی به چکسلواکی

حزب کمونیست چکسلواکی را بسوسیالیسم و اتحاد شوروی بکوش شنوندگان خود رسانید. اما بیک بار وضع دگرگون شد و معلوم کردید که دوچک دبیر اول حزب کمونیست چکسلواکی که رهبران روزیونیست اتحاد شوروی بارها با او بعد از آنکه پراخته و برسر تمام مسائل با او بتوافق رسیده بودند کسی است که در " موضوع آپورتونیست راست قرار گرفته " به " خیانت آشکار " دست زده و در قطع میگذرد وقت بگذراند در عین آنکه بحد انقلاب تسلیم شده است " (از برادر) . این کلیات در دهان ریزیونیستهای شوروی که خود مدتهاست در گرداب آپورتونیسم راست و روزیونیسم غوطه ورنده مشی ضد انقلابی در پیش گرفته اند و بخلقهای جهان و از آنجمله بخلق شوروی بجنش کمونیستی، بسوسیالیسم خیانت ورزیده اند، به تمام معنی خند آور است.

در شب ۲۱ اوت ارتش شوروی همراه با ارتش عده ای از کشورهای جهان ورشو، کشور چکسلواکی، عضو دیگر پیمان ورشو و عضو دیگر " خانواده سوسیالیستی " را مورد تجاوز قرار داد و سرتاسر آنرا اشغال نمود. اتحاد شوروی با اشغال کشور چکسلواکی نه تنها اصول سوسیالیسم، نه تنها آن اصولیکه سالها خود را مدافع آنها نشان میداد، بلکه ابتدائی ترین حقوق بین المللو را نیز زیر پا گذاشت و با عمل خود نشان داد که زمامداران آن همچون نمایندگان امپریالیسم طرفدار سیاست از موضع زوراند. جای بسی تاسف است که ارتش قهرمان استالینگراد، ارتشی که روزی بنباه کاروان آزادی در همه جا مورد استقبال قرار میگرفت اکنون بمنوان ارتش اشغالگر خشم و کینه خلق چکسلواکی را علیه خود بر میانگیزد.

انجام ارتش شوروی به چکسلواکی باز هم شگفت انگیز تر جلوه میکند اگر در نظر بگیریم که گروه ریزیونیست شوروی تصمیمات و مشی نوین پلنوم ژانویه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی را مورد تأیید قرار داد، تذکراتی که میان رهبران روزیونیست در چرناهی پراچا و صورت گرفت بتوافق انجامید؛ و لنترا و لبریش در ملاقات خود با دوچک در مدح و ستای مشی نوین چکسلواکی داد سخن داد، و ادیبی بیک ایران بارها وفاداری دوچک و

چکسلواکی بپروازند؟ در خطابه پنجم کمیسر غشویمان ورشو، آن کشورهای کمینکامعالم چکسلواکی دست زده اند، " برادران چک و اسلواک " اینطور میخوانیم: " امروز برادران طبقاتی شما بیاری شما شتافته اند، آنها بشکورت شما آمده اند، نه برای آنکه در بقیه در صفحه ۳

پیروزی بزرگ مبارزه قهرآمیز خلق دلاور فلسطینی

هند و ایران

آئینه دار یکدیگراند

داشتند برخی از سران خائن حزب کمونیست هند را به پای - بوس نهب فرستادند . در همین زمان بود که تبلیغات بسود حکومت هند و ستان مطبوعات ایرانرا نیز فرا گرفت و کوشش فراوان گمراه ساختن افکار عمومی ایران بعمل آمد .

ولی هیچیک از این دروغهای بزرگ نتوانست از بنار آمدن نتایج شومی که لازمه سلطه ارتجاع و امپریالیسم و روزینوسمی بر هند و ستان است جلوگیری کند . اقتصاد هند و ستان بدرجه از وابستگی رسید که وزیر دارائی آنکشور در ژانویه ۱۹۶۷ گفت : " هند باید نه فقط بر روی کمک خارجی بلکه همچنین بر روی سرمایه های خارجی خصوصی تکیه کند . "

عده به قبحه انحصارهای امپریالیستی در آمد . کمبود تجارت خارجی که فقط در عرض چهار سال (از ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۸) پنج برابر شده بود همچنان در جهت افزایش شتابت سرمایه از صنایع ملی تعطیل شد ، سطح زندگی توده مردم منزل کرد بیثاری توسعه یافت ، تولید کشاورزی دچار رکود گردید ، در ۱۹۶۴ هند و ستان بچنان قطعی هولناکی دچار آمد که در تاریخ نظیر نداشته است . این قطعی هنوز برقرار است و سالیانه در آنکشور در زیر سایه امپریالیسم و روزینوسمیهای شوروی و در مجاورت سه کارخانه نوب آهن قریب ده ملیون نفر از گرسنگی میمیرند . در سال ۱۹۵۶ نهبورک قول شرف داده بود که هند بر عرض پنج سال نه فقط نیازمندی خود را از حیث خواربار رفع خواهد کرد بلکه بصورت صادر کننده غلات در خواهد آمد . ولی از آن تاریخ تا کنون رهبران دولت هند هر سال بر گشتن خواربار بدیروزیکی بدرگاه امپریالیسم آمریکا میثابتند و سالیانه ۱ الی ۱۲ ملیون تن گندم وارد میکنند و هرچه این سیاست فید ملی بیشتر ادامه یابد کشور هند ناتوانتر و محتاجتر خواهد شد .

روزینوسمیهای هند میکنند که خیانت عظیم بر روی آری آن کشور را بطریق بیوشانده و تلخ وضع فلاکت بار کنونی را با " نوسیه هائی چند " امکان پذیر جلوه دهند و " رفم ارضی " حکومت ککره را مثبت بشمارند و افکار عمومی را بکراهی بکشاند . ولی واقعیات چندین ساله نشان میدهد که تمام مصائب خلق هند ناشی از طبقات حاکمه و دستیاران امپریالیست و روزینوسم آنهاست . تنها وقتی که ارتجاع و امپریالیسم سرنگون نشود هیچ رفم و هیچ اقدام سوا فریبانه ای و هیچ کارخانه نوب آهنی نمیتواند تحول اساسی در زندگی خلق به وجود آورد . رفیق مائوسه دون میگوید : " ما یقین داریم که انقلاب و تولید میثابتند مسئله تعدیه مردم را حل کند . انقلاب میثابتند همه چیز را در کون ساود . " خلق ستمدیده هند هر روز بیشتر باین آموزش مائوسه دون پی میرد و از راه جنگ طولی دهقانی که توش در دهقانان ناشایبایی در روزه ۱۹۶۷ طلایه آن بود در راه انقلاب قدم بر میدارد .

هند و ستان و ایران از پاره ای جهات آئینه دار یکدیگرند . ایران نیز مانند هند و ستان مرکز سازش امپریالیستها و روزینوسم های شوروی است . ایران نیز مانند هند و ستان در شرایط سلطه ارتجاع و امپریالیسم و روزینوسم حاصل دیگری جز " رگس گرسنگی بیهرنگی نخواهد داشت . چاره ایران نیز بدست انقلاب قهر آمیز است .

در ارتش

در یکی از نامه هاییکه به " توفان " رسیده است چنین میخواند :
 نم .
 اخیرا سران ارتش برای تکمیل کار ارتش سخت بدست ویا افتاده اند . بلندگوهای سیار ارتش کوش را گرم میکنند وجوانان را برای دوره کمک مهندسی نیروی هوائی ویا گروهائی دعوت میکنند . ولی جوانان اگر بیگار مانند آن را ترجیح میدهند . اتفاق جالبی که یکی از دوستانم شاهد آن بوده اینست که یک گروهان در حالیکه بنا بدستور فرمانده خود آگهی استخفا را بدیوار میچسبانید زیر آن نوشت دهرگس اسم نویسی کند بسی شرف است .

هند و ستان یکی از مهمترین و نایبترین مراکز سازش امپریالیسم آمریکا و روزینوسم شورویست . ایران نیز از چند سال پیش به صورت چنین مرکزی درآمد است . از اینجهت مطالعه نتایجی که تاکنون برای خلق هند حاصل شده برای خلق ایران آموزنده خواهد بود .

پس از استقلال هند و ستان سلطه انحصارهای انگلیسی بر آنکشور نه فقط کاهش نیافت بلکه افزوده شد . روزنامه دیلی تلگراف در ۸ نوامبر ۱۹۶۰ نوشت : " سیزده سال بعد از استقلال هند و ستان ، سرمایه گذاری انگلستان در آنکشور از کلیه ادوار تسلط امپراتوری انگلستان بیشتر است . در این دوران امپریالیستهای دیگر و بویژه امپریالیستهای امریکائی در غارت هند و ستان با امپریالیستهای انگلیسی شریک شدند . در طی ۱۰ سال از ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۸ سرمایه گذاری انگلستان در هند ۱۰ برابر شد و سرمایه گذاری آمریکا به برابر امپریالیستهای آمریکا و آلمان غربی ، انگلستان ، کانادا ، فرانسه و ژاپن تحسنت سیرستی بانک بین المللی یک " کلوب کمک به هند " تشکیل دادند که مجموعه کمکهای " بی به هند بیش از مجموعه کمکهای بود که مجموعه کشورهای جنوب شرقی آسیا داده میشد . آمریکا برای سومین نطقه پنج ساله هند (۱۹۶۱ - ۱۹۶۶) مبلغ ۹۷ ملیون لیره قرضه داد .

هدف امپریالیستها صریحا این بود که از هند و ستان در برابر جمهوری توده ای چین " دوشد کمونسم " میثابتند . کندی میگفت " ما میخواهیم هند و ستان در مسابقه با چین برنده باشد . . . ما که چین موفق گردد و هند شکست بخورد توازن قوا تکامل اقتصادی بر زبان ما بهم خواهد خورد . " همچنین منظور امپریالیستها مناسب دیدند که در هند و ستان با روزینوسمیهای شوروی سازشهایی برسد و این نقشه را از سالهای ۱۹۶۰ ببعد بوقع عمل در آوردند . همین نماینده امپریالیسم آمریکا در ۳ دسامبر ۱۹۶۲ اظهار داشت : " بعقیده من کاملا بصره ماست و همچنین بصره هند است که هند روابط خود را هر چه ممکن است با مسکو دوستانه نگهدارد " و در ۱۰ دسامبر همان سال : " آمریکا آرزویند است که اتحاد شوروی بخیروی دفاعی هند کمک برساند و آنرا تقویت کند . . . بسود امریکاست که اتحاد شوروی همچنان بکمک اقتصادی بهند ادامه دهد . "

روزینوسمیهای شوروی که آرزوی تقسیم جهانرا در سر میبرورند مشتاقانه از نقشه امپریالیستها استقبال کرده عملا بعشویت " کلوب کمک به هند " بدر آمدند و فقط در فاصله ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۲ مبلغ ۳ ملیارد روبیه بهند کمک دادند . روزینوسمیهای شوروی با سروسدای بسیار بساختن کارخانه نوب آهن دست زدند . استقلال اقتصادی هند را از این پرتامین شده شعردند . امپریالیستهای امریکائی ، انگلیسی و آلمانی نیز هر یک کارخانه نوب آهن دیگری ساخته بدرجه بالاتری از عواقریبی روزینوسمیهای شوروی قدم گذاشتند . امپریالیستها کشور هند را با بلایه سهم عظیمی از بودجه دولتی وی بانبار اسلحه و مهمات تبدیل کردند تا در موقع خود در اجرای دسائس تجاوزکارانه بر ضد جمهوری توده ای چین بکار افتد . روزینوسمیهای شوروی از آنها عقبمانده در ژانویه ۱۹۶۲ بانعتقد قرارداد نظامی با هند دست زدند و هولیپها های شکاری مافوق صوت و انواع دیگر آخرین سلاح ها را بوی تسلیم داشتند تا سهم خود را در ایجاز نقشه های امپریالیستها بر ضد جمهوری توده ای چین ادا کرده باشند .

در زمینه گمراه ساختن افکار عمومی نیز سازش امپریالیستها و روزینوسمیها بهمین پایه بود . امپریالیستها از یکسو بر سراسر شتون سیاسی و اقتصادی کشور هند دست انداخته بودند و از سوی دیگر آن نمونه " کشور بیطره " معرفی میکردند از یک سو برای بتحریکات بر ضد جمهوری توده ای چین وحشی حمله بر دژ سوسیالیستی برمیانگشختند و از سوی دیگر آنرا " قهرمان سیاست صلح " جلوه میدادند . روزینوسمیهای شوروی نیز باین قانون قضاة تکیه امپریالیستی پیوسته حتی از شرکا خود قدم فراتر نهادند و ولنتکرمرا در هند و ستان سازند سوسیالیسم اعلام

پیروزی یاد جمهوری توده ای چین بقیه از صفحه ۱
 صد ها ملیون از توده های انقلابی خلق چین و کارهای انقلابی حزب واحد های ارتش آزاد بیخشن چین اندیشه مائوسه دون را در باره انقلاب فرهنگی پرولتاریائی که مانند گوهر گرانبها بر کهنه مارکسیسم - لنینیسم افزوده گردیده بدار بستند . اکنون در سراسر چین (بجز تایوان که هنوز در اشغال امپریالیسم آمریکا است) کشته های انقلابی مرکب از نمایندگان توده های انقلابی و کارهای انقلابی حزب واحد های ارتش آزاد بیخشن بوجود آمده است . این کشته ها تجسم ارگانهای قدرت پرولتاریا ، ارگانهای دیکتاتوری پرولتاریا میباشند . با پیروزی انقلاب فرهنگی پرولتاریا دیکتاتوری پرولتاریا استحکام یافت و دولت سوسیالیستی چین از دستبر روزینوسم صون ماند . چین سرخ همچنان سرخ پی جلی ماند و تلاش امپریالیستها در برابر اینکه خلق چین را از پیشتر در شاهراه سوسیالیسم باز دارند از طریق " تکامل مسالمت آمیز " آنرا به " دنیای آزاد " بازگردانند ناموفق گزید .

انقلاب فرهنگی پرولتاریائی برای صد ها ملیون توده محروم - کس شیوه تفکر انقلابی پاریمان آورد ، آگاهی سیاسی آنها را بالا برد ، در آنها روح انقلابی دید آنها را در راه رشد عظیم نیروهای تولیدی ، اقتصاد و فرهنگ توده ای کشانید . صد ها ملیون توده زحمتکشها تحقق شعار " انقلاب کنید ، تولید را بیشتر کنید " در تمام جبهه های انقلاب سوسیالیستی و ساختن سوسیالیسم به موفقیتهای درخشانی نائل آمدند .

پرولتاریا و خلقهای ستمدیده جهان بگامیهای عظیم جمهوری توده ای چین باشوروشوق فراوان میگرند . گامیهای دولت سوسیالیستی چین مرکز انقلاب پرولتاریائی جهانی را گامیهای همه نیروهای انقلابی در همه خلقهای جهان است . بدون شک خلق کبیر چین در زیر رهبری آموزگار بزرگ رفیق مائوسه دون راه کار ساختن سوسیالیسم کار و مبارزه با امپریالیسم هیتلر را با لیسیم آمریکا و روزینوسم که در او دسته روزینوسم شوروی در مرکز آن قرار دارد پیروزیهای بزرگ در خشتان و در خشتان نائل خواهند داد .

نیرومند یاد جمهوری توده ای چین ، در ششصد و نایزد سوسیالیسم و یایگاه انقلاب پرولتاریائی جهانی .

پیروزی یاد انقلاب فرهنگی پرولتاریائی خلق کبیر چین .

استوار یاد پیوند انقلابی همه خلقهای جهان در مبارزه علیه امپریالیسم و روزینوسم .

افراشته باد پرچم مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوسه دون

فرخی و انقلاب چین

فرخی بزی (لب دونه) شاعر انقلابی ایران با امید فراوان جریان انقلاب چین را دنبال میکرد و در سالهای ۱۹۴۴ - ۱۹۴۷ که از سالهای اوج انقلاب چین بود مشتاقانه چنین میگفت :
 بجد و جهد اگر قوه های چین شد باز
 من از چه میترسم ؟ کار خودم حواله کنم

فرخی از تحریکات سرمایه داری جهانی بر علیه انقلاب چین سخت براشفته و دل آزرده بود و نزل زیرین را باین مناسبت سرود ماست این نیست عرق کورخ آن ماه جبین ریخت
 خورشید فلنت رشته بپروین به زمین ریخت
 دیگر من از صلح و صفاد که حذوات
 در خرمن ایثار آتش کین ریخت
 زهری که ز سرمایه بدم داشت توانگر
 در کام فقیران بدم باز پسین ریخت
 هر قطره شود بحری و آید بیه تلاطم
 این خون شهیدان که به زهره کجین ریخت

از نقشه کیتی شود شرم و نشان محسو
 هر کس که پی محو شرم طرح چنین ریخت
 با انگ روان توده زحمتکش دنیا
 در امان صد باره خوک دروشین ریخت
 هر جا که صیت که فک داشت از این کم
 بکجا بس فرخی خاک نشین ریخت

ماجرای نفت
و افزایش استخراج نفت در واقع تحمیلی بر کسور سیم است . این استدلال منبع دیگری جز تلقین امپریالیستها ندارد . همه میبینند که چگونه امپریالیستها هر روز برای بدست آوردن منابع جدید نفت و استخراج آن تلاش میکنند . همین چندی قبل (۱۶ آوریل ۱۹۶۸) روزنامه مطلع لوموند چنین نوشت : "طبق تخمیناتی که بسیار قابل اعتماد میباشد در سال ۱۹۶۰ اروپای غربی از حیث انرژی و معادل انرژی ۳۰۰ میلیون تن زغال کبود در اختیار است و این کبود در ۱۹۹۰ به معادل ۱۱۰ الی ۷۴۵ میلیون تن و در ۱۹۸۰ معادل ۱۲۵ میلیون تن زغال خواهد رسید . برای جبران کبود مذکور در درجه اول باید ذخایر فراوان و ارزان خاورمیانه و آفریقای شمالی توسل خواهد شد و صادرات نفت این نواحی در ۱۹۷۰ به معادل یک میلیارد تن زغال و در سال ۱۹۸۰ معادل ۵ میلیارد الی ۱۰ میلیارد تن خواهد رسید . و این مقدار علاوه بر صادرات گاز طبیعی خواهد بود ."

با توجه به این سند بخوبی میتوان دید که اگر میزان تولید نفت خالص ایران در ۱۹۶۶ به ۱۰ میلیون تن و در ۱۹۶۷ به ۱۳۰ میلیون تن افزایش داده شد و باز در آوریل ۱۹۶۸ موافقت به عمل آمد که میزان مذکور در عرض ۱۰ سال سالیانه ۱۱۶ درصد دیگر افزایش یابد این اقدامات در درجه اول بسود امپریالیستها صورت گرفته و در حکم خیانتهای جدیدی به منافع مردم ایران بود .

بویژه بخاطر بیابوریم که افزایش سال ۱۹۶۷ مقابین زمانی بود که عدای از کشورهای عربی بنسبیت جنگ تجاوز- کارانه اسرائیل و پشتیبانی امپریالیستها از وی بقطع جریان نفت برخاسته بودند و اقدام دولت ایران در افزایش میزان استخراج نفت نه فقط خیانت بمنافع مردم ایران بلکه خیانت به غداران خارجی بود که از پشت پرده خلیج فارس عرب وار میآید . بطور کلی در هر مورد با حکومت محمد رضاشاه و امپریالیستها هر دو مسئله نفت باید در سیاست محضار از ازم تشخیص داد : یکی سیاست رومیونیستها ها که چانه زدن های محمد رضاشاه را با امپریالیستها ها بدیده اصحاب نگریده" به طور عینی "ثبت تلقی میکنند و باین طریق رژیم محمد رضاشاه را میآریند و توده ها را می فریبند و به تثبیت مواضع امپریالیستها یاری می رسانند . و دیگر سیاست مارکسیست ها - لنینیست ها که افشاگران و مانورهای امپریالیستی را وظیفه خود می شمارند که هر عملی را که در جهت تثبیت حکومت ضد ملی گزینی و حامیان امپریالیستها می باشد عمیقاً ارتجاعی میدانند و مبارزات روز را پیوسته در سمت هدف استراتژیک که سرنگون ساختن رژیم کودتا و برسر گذن ریشه امپریالیسم از ایران است توجیه میکنند .

زلسرله بهیه از صفحه ۱

تجاوز رومیونیستها بقیه ارضی و امور داخلی شما مداخله کنند بلکبری آنکه همراه شما باشد انقلاب بیارزه برخیزند از امر سوسیالیسم دفاع کنند از تهدید علیه حاکمیت و استقلال و امنیت میهن شما جلوگیری کنند . سیاهیان کشورهای متحد برادر نزد شما آمده اند باین منظور که هیچ کس شما را از آزادی ، محروم نسازد "

شکفتا بچند صد هزارار نفر شوروی یا توپ و تانک از راه زمینی و هوایان کبان بر کسور میروند و آنرا اشغال میکنند استقلال و حاکمیت آنرا زنیبا میزد آنگاه "برادران طبقاتی" برانند که کویا اینها همه بخاطر جلوگیری از تهدید علیه حاکمیت و استقلال ملی آن کشور است !

شکفتا مقامات اشتغالی و رهبران حزب و دولت و مجلس ملی کشور را باحشونت و بطور اهانت آماج میبریند باز رومیونیستها آنها را بر سر میز مذاکره می نشاندند ، باضا" موافقتنامه ای که دیکه شده است - مات اشتغالی است مجبور میسازند آنگاه " برادران طبقاتی" بر آنند که درامورد داخلی کشور قصد مداخله ندارند !

شکفتا: ناانگهی ارتش در تمام شهر ها و در شهرها در تمام میدانها و شوارع موضع گرفته و توپهای خود را علیه مردم برگردانند و گاه و بیگاه به هوا با بری مردم خیراندازی میکنند آنگاه " برادران طبقاتی" برانند که آنها برای تامین آزادی و امنیت مردم یکسور قدم رنجه فرورده اند !

شکفتا: کسانی که در کشورهای خود دستاوردهای سوسیالیسم را بر باد داده و میدهند و جامعه را در تمام شئون آن بسوی احیا" سر میگرداری میرانند ، کشورهایمانند لیستان که در آن کشاورزی تقریباً بشما می در دست تولید خصوصی است و استثمار پنجاه کارگر و اگر بوسه تولیدی در شبانه روز سه توست کار کند ، استثمار یکصد و پنجاه کارگر بطور رسمی قانونی و مجاز است ، یکسور چکسلواکی قشون می کشند تا در آن از امر سوسیالیسم دفاع کنند !

رومیونیستها چکسلواکی از همان راهی رفتند و میروند که کثرت و بیست و بیست و دوم حزب کمونیست اتحاد شوروی با نشانها داده است با این تفاوت که اکنون میخواهند این راه را مستقل و با ابتکار خود بپیمایند نه اینکه حرکت خود را تابع جدید است مسلو نمایند . اعزاز ارتش چکسلواکی در واقع برای آستین کزوی رومیونیست چکسلواکی بهرامت کوچک راباکووی دیگری که باطل مطلق از زمانداران مسخوف در دهد جانشین سازند و انحصار شوروی بتواند آنچه را که از دنیای رومیونیسم برای او باقی مانده بشتابه منطقه نفوذ همچنان حفظ کند . معلومست که صحبت از مداخله نظامی بخاطر حفظ و حراست سوسیالیسم جز دروغ و فریبکاری نیست .

لشکرکشی شوروی در چکسلواکی خشم و تنفر خلیقهای جهان را بر انگیزد و اتحاد شوروی را در موقعیت نامطلوبی قرار داد ، برای توجیه و تبرئه تجاوز خود رومیونیستهای شوروی ابتدا مدعی شدند که ارتش کشورهای عضو پیمان ورشو بنا بدر خواست مقامات رسمی حزبی و دولتی چکسلواکی وارد این کشور شده اند ، باینکه آنکه مقامات رسمی این دروغ را فاش کردند آنها ادعا کردند که کویا عدای از رهبران حزب و دولت از شوروی و کشورهای دیگر بیژان ورشو برای مبارزه با ضد انقلاب تافاضی مداخله نظامی نموده اند اما این بار نیز هیچکس حتی هیچیک از سرسپردگان به رومیونیستهای شوروی نیز حاضر نشد در برابر خلق خشمناک خود بار چنین خیانتی را بر دوش بگیرد ، رومیونیستهای شوروی کمان میزدند که باسانی و سرعت میتوانند دولت دست نشانده را بجای دولت قانونی بنشانند ولی هیچکس نخواست نقش کسلینگ بازی کنند .

تنها راهی که برای رومیونیستهای شوروی باقی میماند این بود که همان کسانی که در " مواضع ایورونیسم راست" قرار گرفته و آشکارا به سوسیالیسم خیانت کرده و " تسلیم ضد انقلاب" شده بودند وارد مذاکره شود و آنها را مقامات قانونی کشور بنشانند . رومیونیستهای چکسلواکی با تسلیم در برابر نظریه تحمیلی صنوا اتحاد شوروی را از بن بستی که در آن افتاده بود بیرون کشیدند ، آنها خلق چکسلواکی را از مقاومت و مبارزه علیه ارتشهای اشغالگر باز داشتند ، در عمل بخواستهای نا مشروع زمانداران شوروی چاره عمل پوشانیدند و کشور خود را همچنان در اشغال ارتشهای بیگانه باقی گذاشتند . از

رومیونیستها جز اینهم نمیتوان انتظار داشت . مداخله سلطانه اتحاد شوروی در چکسلواکی بحران اردو رومیونیسم را بیش از پیش شدت بخشید . اکثریت احزاب رومیونیست و از آنجمله تمام احزاب رومیونیست اروپای غربی (با استثنای حزب کمونیست آلمان غربی) تجاوز شوروی را طرد و محکوم کردند . در و دسته رومیونیست شوروی بیش از پیش متفرق گردید ، مداخله نظامی شوروی ، غرضه سخت دیگری بر پیتر رومیونیسم وارد آورد ، چه زشت و نا زیبا رومیونیسم را با زهم بیشتر بخلفهای جهان نشان داد ، نشان داد که چگونه رومیونیسم در ایام کردن استقلال و حاکمیت خلقها دست کس از امپریالیسم و ارتشها ندارد .

طبوغات بورژوازی با خرسندی فراوان از " بحران کمونیسم" از " دوران نزع کمونیسم" سخن می رانند اما آنها نمی بینند که آنچه که کرتار بحران و نزع است ، کمونیسم نیست ، رومیونیسم است رومیونیسم با سرخشی بیش از آنچه که انتظار آن می رفت در حال نابودی و زوال است بدون شک بروی ویرانه های آن کمونیسم بانیر و دامنه بیشتری بر جهان پرتو می افکند . کمونیسم جوانی جهان است ؟

امپریالیستها که خود تجسم نفوذ استقلال و حاکمیت خلقها میباشند بر اشغال نظامی چکسلواکی اشک می ریزند اما چیزی که در نزد آنها مطلقاً مطرح نیست سرنوشته خلق چکسلواکی و حاکمیت و آزادی آنست .

آنها در واقع از حربه جدیدی که گروه رومیونیست شوروی و همدستانان بدست داده اند ، برای مبارزه با مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم استفاده میکنند . آنها باین فکر دامن میزنند که سوسیالیسم کویا با تجاوز بخلیقهای دیکر بیگانه نیست ، وحدت و یکپارچگی اردوی سوسیالیسم و جنبش کمونیستی سختی تودالی است انتزاعی سوسیالیسم پرولتری بنداری واهی است و از این قبیل . . . واقعیت آنست که طی سالهای اخیر در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای رومیونیستی گذشته و میگذرد بهیچ وجه . وجه مشترکی با سوسیالیسم و کمونیسم ندارد . این کشورهای مدتهاست از سوسیالیسم روی گردانیده و در سیاست داخلی و خارجی خود راه " دنیای آزاد" را در پیش گرفته اند ، تجاوز آنها به چکسلواکی تظاهری از ماهیت بورژوازی آنها است و این واقعیت را با هیچ سفسطه ای نمیتوان پوشانید .

رومیونیستهای حزب توده ایران نیز با افکارهای رادیکالی خود کالان در انتقال مردم ایران بیکوشند . آنها تاجشعی پیمان مردم میهن ما را در مورد ماهیت رومیونیستی زمانداران چکسلواکی با اشتباه میانشانند ، اکنون نیز با دروغ تحریف حقایق و در برده گذاشتن واقعیت تجاوز اتحاد شوروی را بکشور چکسلواکی می پوشانند ، اما مردم ایران اکنون دیکر بآن درجه از آگاهی سیاسی و اجتماعی رسیده اند که بتوانند دروغ را از راست و صحیح را از سقیم باز شناسند و راه خود را در مسائل سیاسی باز یابند سازمان ما مداخله نظامی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای رومیونیستی را شددید ! محکوم میکند و پشتیبانی همه جانبه خود را از مقاومت مردم چکسلواکی اعلام میدارد . ما یقین داریم که مقاومت و مبارزه خلق چکسلواکی علیه اشغالگران بیگانه و تسلیم طلبان خودی سرانجام پیروزی خواهد انجامید و پرچم سوسیالیسم بار دیگر بر فراز این کشور باهتزاز در خواهد آمد .

X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY
مسابانکی
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

روزنامه توفان بانگه برتری خود بیاست ، انتشار هر شماره را باین روزنامه با شورا ریبا میفرایان و بروروست ، هر کس که مادی شما قس در را بشود میتوفان است ، از هر کس که هر چه را بچکلیا شد خود داری نورزید ، شاسفانه جلالت وضع خاص توفان اخذ از توفان و اعانه از طریق مادی میسبی نیست ، مبلغ بثمان و اعانه خود وسایر رفتار و دستاورد مستقیماً بحساب بانکی توفان بریزید و با این طریق دیکر ما برسانید ، بهای تک شماره توفان در ایران و اروپا و در ترکیه معادل ۱۰۰ ریال و در سایر کشورها معادل ۱۰۰ ریال است ، بهای اشتراک سالیانه توفان معادل ۱۰۰۰ ریال است

تنها راهی که برای رومیونیستهای شوروی باقی میماند این بود که همان کسانی که در " مواضع ایورونیسم راست" قرار گرفته و آشکارا به سوسیالیسم خیانت کرده و " تسلیم ضد انقلاب" شده بودند وارد مذاکره شود و آنها را مقامات قانونی کشور بنشانند . رومیونیستهای چکسلواکی با تسلیم در برابر نظریه تحمیلی صنوا اتحاد شوروی را از بن بستی که در آن افتاده بود بیرون کشیدند ، آنها خلق چکسلواکی را از مقاومت و مبارزه علیه ارتشهای اشغالگر باز داشتند ، در عمل بخواستهای نا مشروع زمانداران شوروی چاره عمل پوشانیدند و کشور خود را همچنان در اشغال ارتشهای بیگانه باقی گذاشتند . از

گوشه‌ای از ماجرای نفت

چند سالی است که تبلیغات دروشین و فریبنده روزمحمد رضا شاه در ساله نفت ایران بطور عمده در پیرامون افزایش تولید دور میزند. هر چند گاه یکبار محمد رضاشاه بعنوان اینکه ایران برای اجرای نقشه های اقتصادی خود پدر آمد نفت نیازمند اشخاص و به شیوه ای جنجال انگیز اعلام میدارد که استخراج نفت ایران بوسیله کسر سوم باید افزایش یابد و اگر در اینکار تعلل شود دولت ایران چنین و چنان خواهد کرد. آنگاه نمایندگان کسوسوم قیافه ناراضی بخود میگیرند، پینیبادی را زبانی بزرگ و طاققت فرسا برای خود میشنوند و اعلام میدارند که زیر بار چنین تحمیلی نخواهند رفت. سپس طبل و کوس جنجکوزگری کوبیده میشود، نمایندگان کسر سوم و نمایندگان محمد رضاشاه صراحتی میکنند و رجز میخوانند، بهم میزنند، کرد و خاک بهوا میدهند، عکس و تصویلات نبرد را همهجا منتشر میسازند. تسلا آنکه محمد رضاشاه دوباره شخصا میدان میاید و نمایندگان کسر سوم که در برابر این جهان پهلوان چاره دیگری جز سرفراختن و تسلیم شدن ندارند بناچار میزان استخراج نفت را بالا میرند، سهم ایران را از درآمد نفت افزایش میدهند و بالتلیجه در تمام دستگاههای دولتی ایران بافتخار پهلوانی محمد رضاشاه چرغانی میشود و "حق به حق دار میرسد و هشد ار!"

این نمایانیه تا کنون مکرر در صحنه کشور ما بازی شده است تا شاید مردم بجزور این شعبده فراموش کنند که آن مترسکچیزی که در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ از جلو خشم تودهها کرخت و باکودنگا دولتهای وابسته بهمین انحصارهای نفتی دوباره بر تختسلطنت نشاندند شد همین محمد رضاشاه است!

اما همه میدانند که رابطه انحصارهای امپریالیستی با ملتسم دیده رابطه استثمارگرانه، فارتکرانه و راهزنانه است. در هر پیمانته نفتی که کسر سوم از کشور ما میرسد سهمی از ثروت ما بخشی از نتیجه کار و کوشش ملت ما، جرعهای از خون مردم ما نهفته است. هر چه تعداد این پیمانتهها بیشتر باشد سهم بیشتری از ثروت ما بخش بزرگتری از نتیجه کار و کوشش ملت ما جرعهای واقتری از خون مردم ما بگام امپریالیستها خواهد ریخت. و این حقیقت آشکارا با هیچ سفسطهای نمیتوان پوشا جالب توجه است که هر کاسمحمد رضاشاه ماجرا افزایش تولید استخراج نفت را صادر میکند و باین در واقع قرار داد خانثانه ۱۳۳۳ را تحکیم میکند و توسعه میدهد در میان ایادی امپریالیسم و میهن فروشان و اجاری که برای او کف میزنند قیافه روزبونیستهای ایرانی و بویژه شوروی چشم میخورد. رادیو مسکو در ۲۱ آذر ۱۳۴۵ این صحنه سازی تفراتنیز رژیم محمد رضاشاه را "پهروزی ایران" تلقی کرد و نقش دولت را در این بازی مورد پشتیبانی "اکثریت مردم ایران" جلوه داد. باید از این آفتابان که هنوز تظاهر به مارکسیسم و از دست نهند هاندپرسید که سود خالص کسر سوم در ایران - که بقول خود شما سالیانه بالغ بر یک میلیارد دلار است (رادیو مسکو ۲۱ اسفند ۱۳۴۶) و بقول منابع موقی بورژوازی، در کشورهای خاورمیانه بطور کلی به ۱۱ الی ۱۱ درصد سرمایه میرسد - از چه محلی بدست میاید؟ جز از محل استخراج نفت و استثمار زحمتکشان؟ پس چه چه میزان استخراج بیشتر باشد سود کسرسوم و زیان زحمتکشان هم بیشتر خواهد بود. پس شما که در کنار محمد رضاشاه در راه افزایش استخراج نفت کسرسوم تلاش میکنید در جهت افزایش سود وی و زیان زحمتکشان از آن قوم بر میدارید.

حکومت ایران که میخواهد افزایش ثروت نفت را در مصلحت ملت ایران جلوه دهد، چنین استدلال میکند که کوبا احتیاج امپریالیستها به نفت ایران کثر از آنست که ایران مطالبه میکند

بخیه در ص ۲

۲۳ سال جمهوری دموکراتیک ویتنام

در این روزها خلق ویتنام بیست و سومین سال بنیادگذاری جمهوری دموکراتیک ویتنام را جشن میگیرد.

جمهوری دموکراتیک ویتنام ظهراراده پولادین خلقی است که امپریالیستهای تجاوری و زاپتی و فرانسوی را بی بیس از دست ازسوراه آزادی و استقلال خویش بر داشته و تا امروز ماغ نیرومند ترین قدرت امپریالیستی جهانی یعنی امپریالیسم امریالیست را این زاندم تمسار بین المللی را برخاک مالیده است. نام جمهوری دموکراتیک ویتنام باحماسه دین بین فوک که زبونی و شکست فغضفا و نترالهای مغرور امپریالیسم فرانسه را در برابر دیدگان وحشت زده مرتجعان جهان کسترانید همراه است.

امپریالیسم امریالیست که از سر نوشت تجاوریگانان پیشین پندنگر است بمنظور آنکه شکست نقشه های خویش را در ویتنام جنوبی بیه پوشاند، از یاری جمهوری دموکراتیک ویتنام به برادران جنوبی جلو کیر ساختن پروروق سوسیالیسم را در جمهوری دموکراتیک ویتنام در چار و فقه ساز راهزنانه بر آن جمهوری حمله ور شد، بپارار روز افزون شهرها، بنا هباب، صنعتی، فرهنگی و بهداشتی را آغاز کرد. اما حساب وی کیر اخفا و مطلق بتفرق اسلحه حکمی بود مطلقا غلط از کار در آمد. در اثر بیماریان های هواشی امریالیست خلاق و حزب دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام در کتک رساندن بمباران جنوبی استوارتر شد، میزان لک روزبیر افزایش یافت، اقتصاد سوسیالیستی جمهوری دموکراتیک ویتنام در شرایط جد بدیمرحله جدیدی از رشد و تکامل کام گذشت. کارخانه ها، موسسات صنعتی، علمی، پژوهشی، فرهنگی، بهداشتی و تیریه همگی از شهرها بدات منتقل شد و بشکل پراکنده در مناطق با معضیات نوین مبارزه بفعالیتهی شوکانان ادامه داد. و این امر به وزن توده در تحکیم اتحاد کارگران و دهقانان، در آمیزش روشنگران باتوده خلق، در اغراض سطح اکاهی دهقانان بالتلیجه در تحکیم بنیاد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی فرهنگی جمهوری دموکراتیک ویتنام

ناتیر شکر ف داشته و خواهد داشت.

رفیق هوشی مین، وهیبر خلق ویتنام، در پیام خویش روزیه ۱۹۱۱ چنین گفت:

امپریالیستهای امریکائی " میتوانند برای کسترش جنگ تجاوری کارانه، پانصد هزار ایک ملیون حتی بیشتر، زبان ویتنام جنوبی اعزام دارند، آنها میتوانند برای تکثیر حملات خویش بر شمال هزاران هواپیما بکار اندازند، اما هرگز نخواهند توانست سرانده آهنگین و عزم خلق قهرمان ویتنام را که برای نجات ملی خویش بر علیه تجاوری امریکایر خاسته است در هم شکنند. . . ممکن است جنگ پنج ساله ده سال و بیست سال و بایشتر طول انجامد. . . ممکن است هانگ های فوک و همچنین تعداد دیگری از شهرها نیکها همایران کرد و ولی خلق ویتنام از یاری نخواهد نشست. هیچ چیز و لا ترا از استقلال و آزادی نیست. آنگاه که روز پیروزی فرارسد خلق ویتنام کوشش را بیهترین شکی آباد خواهد کرد و ساختمان های بزرگروز بیاتر بوجود خواهد آورد."

خلق ویتنام از شمال تا جنوب، بهحقایق این پیام وفادار است و راندن تجاوریگانان امریکائی، رهائی جنوب، دفاع از شمال و توحید کشور شعاری است که خلق ویتنام ماندن تن واحد برای علی ساختن آن بهای خاسته است. امپریالیسم امریکایر سار که به عروج جدیدی در جنگ تهاجمی در جنوب یاد ر شمال دست میزند بسقوط دریتکا، شکست نزد یگر میشود. جنگ خلق ویتنام بر علیه امپریالیسم امریکایر جنگی است عادلانه و باخطر آرمانهای مقدس همه خلقهای جهان. جنگ خلق ویتنام بزرگترین جنگ انقلابی عصرماست. پشتیبانان از خلق ویتنام وظیفه انترناسیونالیستی گیکه خلقهای جهان است.

نیرومند با جمهوری دموکراتیک ویتنام.

پیروزی با دیکتاتورهای دلاورانه خلق ویتنام بر علیه امپریالیسم امریکا.

تناقض گویی و پیژیونیستها

یکی از خوانندگان گرامی توانان در نامه ای می نویسد:

"رفقای سازمان توقان شریه شما که مرتباً بدست ما میرسد روز بروز موفق تر و عینی تر میشود. نکاتی از آن که خیلی جالب میباشد عبارت است از روز بروز گذاشتن ضد و نقیض کوشی های روزبونیست ها . . . من هم سعی کردم بنویس خود شما را در اینکار یاری دهم و اینک مدارک زیرین را برای شما میفرستم:

مجله دنیا ارگان روزبونیست های ایرانی در شماره ۴ پائیز ۱۳۴۶ در صفحه ۴۹ می نویسد:

"تشریصین های قهار چنین توجه ندارند که احیا سرمایه داری در یک کشور مستلزم احیا مناسبات تولیدی سرمایه داری و استقرار دیکتاتوری بورژوازی مستلزم وجود بورژوازی است. در جامعهای که مناسبات تولیدی سرمایه داری سالهاست در آن وجود نداشت، بورژوازی در آن وجود ندارد، نمیتواند سرمایه داری و دیکتاتوری بورژوازی وجود داشته باشد. . . کسی که چنین ادعا کند یا سفیه است یا خود را به سفاقت زده است."

(تکیه روی کلمات از ماست)

در صفحه ۴۱:

"این یک ترمیم غیر مارکسیستی . . . از طبقه است. . . اگر مالکیت وسائل تولید و قدرت سیاسی از بورژوازی سلب شود طبقا بورژوازی بعنوان یک طبقه اجتماعی زائل میشود. دیگر طبقه ای وجود ندارد که حاکم باشد یا تابع." (تکیه روی کلمات از ماست)

ولی روزنامه پرورد ارگان روزبونیست های شوروی در شماره ۱۱ ژوئیه ۱۹۶۸ - بر حسب احتیاج روز - چنین می نویسد:

"مسئله اصلی که باید حتماً بآن جواب داده شود اینست که چکسلواکی سوسیالیست باقی خواهد ماند یا نه . . . اتفاقات اخیری که در چکسلواکی در جریان است نشان میدهد که عناصر دست راستی و ضد سوسیالیست، با استفاده از تظاهرات معتناه مردم در مورد جبران اشتباهاتی که انجام شده، براهتی بر فعالیت حزب کمونیست ضربه میزنند و میانی سوسیالیسم را به خطر میاندازند."

در همان شماره در نطق پادگورنی چنین میخوانیم:

"امروز سرمایه داری و امپریالیسم در چکسلواکی با پشتیبانی فعالانه طبقات سرنگون شده، عناصر ناسیونالیست و روزبونیست بر پایه های سوسیالیسم و بدولت سوسیالیستی این کشور ضربه میزنند" (تکیه روی کلمات از ماست)

"این اپوزیسیون که امروز بکنک سرمایه داری و امپریالیسم در چکسلواکی بر علیه سوسیالیسم مبارزه میکند مرکب است از نمایندگان طبقات سرنگون شده، استثمار کننده و عناصر دست راستی و ناسیونالیست و روزبونیست و گروه های قانونی و غیر قانونی"

(تکیه روی کلمات از ماست)

اینک آیا نویسندگان مجله دنیا با توجه باین نوشته ها درباره پیشگویی روزبونیست خود چه میکنند؟ آیا آنها را سفیه میسازند یا تظاهر به سفاقت؟

حقیقت اینست که روزبونیست های شوروی هرگز بفهم مارکسیستی طبقات و چگونگی آنها در دوران دیکتاتوری پسر و ناتاریا اعتقاد ندارند و اگر امروز چنین نوشته هایی از قلم آنها می تراود فقط بمنظور آنست که روزبونیست های چکسلواکی را در مضطربور بگذارند."

پیروز باد جنگ توده های خلق قهرمان ویتنام